

فصل نامه علمی پژوهش نامه تاریخ اسلام
سال دهم، شماره سی و هفتم، بهار ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۵ - ۱۰۵

تأثیر پذیری زمامداری شاه عباس اول صفوی از تنجیم

محمود مهمان نواز^۱

چکیده

تنجیم و احکام آن همواره در تاریخ ایران از جایگاهی مهمی برخوردار بوده است. آگاهی دادن از آینده یکی از کارکردهای مهم و اصلی تنجیم بود. چنین خاصیتی سبب توجه بیشتر پادشاهان به آن می شده است. در بین شاهان صفوی (حک. ۹۰۷-۱۱۳۵) به ویژه در دوره شاه عباس اول (حک. ۹۹۶-۱۰۳۸) تنجیم از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. مسئله اصلی پژوهش این است که تنجیم و منجمین چه تأثیراتی در حکومت شاه عباس اول داشته اند؟ این پژوهش بر اساس داده های تاریخی نشان می دهد برخلاف تصور رایج در میان محققان، شاه عباس اول خردگرا نبوده بلکه به صورت کاملاً افراطی از آغاز تا انجام پادشاهی، تحت تأثیر منجمین و احکام نجومی بوده است. افراد مورد وثوق شاه برای مشورت در امور نظامی، سیاسی، معماری، تفریحات و نظایر اینها، منجم بوده و شاه بدون نظر مثبت آنها از انجام دادن هر کاری پرهیز می کرد. به نظر می رسد عواملی چون تلقین، برخی پیش گویی های درست منجمین، بی اعتمادی به اطرافیان و به طور کلی نامشخص بودن آینده حکومت، در تأثیر پذیری شاه عباس از تنجیم و احکام نجومی مؤثر بوده است.

کلیدواژه ها: تنجیم، سعد و نحس، شاه عباس اول، علم در دوره صفوی، نجوم.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه یاسوج. mehmannaavaz86@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۲

درآمد

انسان‌ها همواره به دنبال کشف ناشناخته‌ها بوده‌اند. آگاهی از آینده یکی از این ناشناخته‌ها بود. انسان‌ها برای تسلط و آگاهی یافتن از آینده به راه‌های مختلف چون رمالی، تفال و تنجیم توسل می‌جستند. در این میان تنجیم از استقبال بیشتری نسبت به دیگر روش‌ها برخوردار بود. اعتقاد عامه بر آن بود که سرنوشت آنها در آسمان‌ها رقم می‌خورد، بنابراین برای آگاهی از آن باید به علم نجوم (ستارگان و افلاک) مجهز شد. چنین دیدگاهی سبب تقویت حرفه منجمی شد.

افراد هر اندازه دارای تمکن مالی بیشتری بودند، می‌توانستند به همان نسبت از منجمان ماهرتری استفاده کنند. شاهان به عنوان رأس حرم جامعه ایرانی همواره در دربار خود از منجمان زیادی برای آگاهی از مسائل مختلف استفاده می‌کردند. در تاریخ ایران استفاده حاکمان از منجمین سابقه‌ای طولانی دارد. البته میزان وابستگی و اعتقاد این حاکمان به منجمین و احکام نجومی متفاوت و دارای نوسان بود. برخی اعتقاد افراطی و عمیق داشته و عده‌ای نیز از میزان باور کمتری نسبت به منجمین برخوردار بودند. تنجیم در برخی از حکومت‌های ایران دارای اهمیت بالایی بود به گونه‌ای که حکومت‌ها برای منجمین و ابزار آلات نجومی بودجه‌ای اختصاصی مقرر می‌کردند. صفویان از جمله حکومت‌هایی بودند که در آن تنجیم و منجمین از ارج و اهمیت خاصی برخوردار بودند. در این دوره شخصی به نام منجم‌باشی وجود داشت که همواره همراه و ملازم شاه بود. شاهان صفوی بدون حضور منجم کاری انجام نمی‌دادند و برخی از شاهان آن سلسله همیشه چند منجم را در رکاب خود به عنوان ملازم در اختیار داشتند.

حکومت صفویان در دوره پادشاهی شاه‌عباس اول در اثر تلاش‌های شاه، مشاوران و فرماندهانش به شکوفایی رسیده بود. شاه عباس به عقل‌گرایی مشهور بود. با این حال توجه افراطی این شاه به منجمین و توصیه‌پذیری شدید وی از احکام نجومی با عقل‌گرایی در تضاد است. وقوع برخی اتفاقات مانند کناره‌گیری از قدرت و تغییر پایتخت به سبب پیش‌گویی‌های منجمین، شاه‌عباس را از دیگر شاهان صفوی، در میزان

تأثیرپذیری از احکام نجومی متمایز کرده است. پیش فرض پژوهش این است که شاه عباس به سبب عوامل روانی، همه امور حکومتی را منوط به نظر منجمین کرده بود. اینکه شاه بیشتر در چه حوزه‌هایی از منجمین تأثیر می‌پذیرفت؟ و این تأثیرپذیری تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟ سؤالاتی است که این مقاله به دنبال پاسخ به آنهاست.

پیشینه پژوهش

تأثیر احکام نجومی در دوره شاه عباس در برخی از تحقیقات به صورت پراکنده مورد توجه قرار گرفته است اما تاکنون تحقیقی مستقل که صرفاً به بررسی نقش احکام نجومی و منجمین در تصمیمات و حکومت‌داری شاه عباس پرداخته باشد، به انجام نرسیده است. بهزاد کریمی (۱۳۹۶) پنج مقاله درباره زمان و کیهان در عصر صفویه را در قالب تحقیقی با عنوان «زمان‌نگاری و کیهان باوری در عصر صفویه» به انجام رسانده است. تلاش محقق در این اثر دربرگیرنده کل دوره صفویه است. کریمی در مقاله دوم به برخی تأثیرپذیری‌های شاه عباس از احکام نجومی به صورت مختصر و در بخش سوم نیز به صورت مفصل به وجوه مختلف ماجرای «یوسفی ترکش دوز» اشاره داشته است. نصرالله فلسفی (۱۳۴۷) در فصل یازدهم از جلد دوم کتاب *زندگانی شاه عباس اول* به برخی از موارد توجه شاه عباس به مسئله اخترشناسی پرداخته است. بخش زیادی از این فصل کتاب، به ماجرای «یوسفی ترکش دوز» اختصاص دارد. فلسفی بیشتر در پی تصدیق اعتقادات نجومی شاه عباس برآمده و فقط بخش اعتقاد شاه عباس به جادوگری را خرافه می‌داند. در این پژوهش‌ها علل توجه شاه عباس به دستورات و مشورت‌های منجمین مغفول مانده است. زهرا اسفندیاری مهنی (۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان «جایگاه منجمان در دوره صفویه» به رشته تحریر درآورده که بیشتر به جایگاه منجم‌باشی و همچنین به معرفی برخی از منجمان مهم آن دوره پرداخته است. همانگونه که از عنوان این پژوهش پیداست، او جایگاه منجمان در کل دوره صفویه را مورد بررسی قرار داده است. همچنین رضا صحت‌منش و زهرا اسفندیاری مهنی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی انقلاب نجومی و نجوم در عصر صفوی» ضمن بررسی انقلاب نجومی در اروپا به وضعیت نجوم در دوره صفویه پرداخته‌اند. در این پژوهش به مراکز

نجوم و آثار منجمین دوره صفویه پرداخته شده و در بخشی از آن به اهمیت نجوم و کارکرد آن نزد شاهان صفوی توجه شده است. با این حال آنها به اهمیت این موضوع در دوره شاه عباس اول توجه نکرده اند. در نهایت ابراهیم رایگانی و مهسا ویسی (۱۳۸۸) در مقاله «پژوهشی در وضعیت نجوم و جایگاه منجمان دوره صفویه بر اساس سفرنامه‌های سیاحان خارجی» صرفاً از دیدگاه سفرنامه‌های دوره صفویه، به صورت مختصر نگاهی به وضعیت نجوم و منجمین در آن دوره داشته اند.

اهمیت و کارکرد تنجیم در میان ایرانیان

کاربرد تنجیم و احکام نجومی در میان ایرانیان سابقه طولانی دارد. در این مبحث به تعریف برخی مفاهیم و کاربردهای مختلف تنجیم و احکام نجومی در جامعه ایرانی پرداخته می شود.

نجوم مطالعه اجرام آسمانی است و تنجیم بررسی تأثیر ستارگان و اجرام آسمانی بر حوادث آینده است که به آن احکام نجوم نیز گفته می شود (نلینو، ۲۳). از نظر ابن خلدون علوم چهار قسم هستند که قسم چهارم آن علم تعیین اشکال فلک‌ها، موسوم به هیئت است و یکی از فرعیات این علم، احکام نجوم می باشد (ابن خلدون، ۱۰۱/۲-۹۹۹). فارابی معتقد است که نجوم دو شاخه دارد: علم احکام نجوم و علم نجوم تعلیمی. علم احکام نجومی، دلالت‌های کواکب بر حوادث آینده و حال و گذشته است. از نظر فارابی، انسان می تواند به وسیله علم احکام نجوم از حوادثی که در آینده پیش خواهد آمد باخبر شود (فارابی، ۸۴). در این پژوهش احکام نجوم و تنجیم بررسی شده است.

تنجیم و احکام نجومی در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی کارایی داشته و مورد استفاده همه طبقات بوده است. تنجیم در حوزه پزشکی کاربرد داشت. در بیشتر منابعی که از قرون اولیه اسلامی تا زمان مورد پژوهش درباره تنجیم و احکام نجومی نگاشته شده، به رابطه طب و احکام نجومی اشاره شده است (نک. بیرونی، ۳۳۰-۳۲۹؛ گنابادی، بیشتر صفحات). احکام نجومی در حوزه دستورات دینی نیز نفوذ کرده و مورد توجه فقه اسلامی قرار داشت تا جایی که تنجیم و احکام نجومی در زمره علوم قرار

داشتند که اجتهاد متوقف بر آن بود (سمیعی، ۳۱). همچنین منجمین و احکام نجومی به صورت جدی در امور سیاسی مؤثر بودند و همواره در دربار پادشاهان ایران حضوری مستمر داشته‌اند. این امر را می‌توان ناشی از ترس و تردید همیشگی انسان از وقایع ناشناخته و ابهام در مورد آینده دانست. ضمن آنکه شاهان همواره برای موفقیت‌ها، تسلط بر اوضاع و دفع خطرات به یک نیروی فوق بشری و ماورایی احساس نیاز می‌کردند.

تنجیم در میان تمامی سطوح اجتماع رسوخ کرده بود. اگر ساعات سعد و نحس تعیین شده توسط منجمین و باورهای القایی منجمین به افراد جامعه اجازه انجام کارهای شخصی و عمومی را نمی‌داد، دست به کاری نمی‌زدند. اولثاریوس می‌گوید مردم ایران «به ستاره شناسی یا خواندن اوضاع از افلاک بیش از آنچه که اهمیت دارد ارزش می‌نهند» (اولثاریوس، ۳۱۱). شاردن نیز به کرات از اهمیت احکام نجومی در میان عامه مردم و باور عمیق مردم به باورهای خرافی نجومی سخن به میان می‌آورد «هر آنچه از نیک و بد پیش آید در نتیجه گردش موافق یا مخالف اجرام سماوی می‌پندارند» (شاردن، ۳/ ۴۵۵). همچنین وی می‌نویسد ایرانیان برای انجام هرکاری ابتدا به تقویم نگاه می‌کنند و قبل از رسیدن ساعت سعد، هیچ کاری انجام نمی‌دهند (همان، ۱۰۱۰). مردم بر اساس خرافات ناشی از اعتقاد به تنجیم برخی روزها را نحس دانسته و کار مهمی در آن روز انجام نمی‌دادند. همچنین بزرگان کشور نیز قبل از مشورت با منجم لباس نو نمی‌پوشیدند، حمام و مسافرت نمی‌رفتند (اولثاریوس، ۳۱۲؛ تاورنیه، ۶۱۵).

به هر روی در جامعه‌ای که به دلیل سطح پایین دانش، رابطه علی و معلولی امور چندان اهمیت نداشت، افراد برای آگاهی از علل واقعی رویدادها، به باورهای خرافی و غیرمنطقی روی می‌آوردند. این مسئله در جامعه ایران عصر صفوی امری فراگیر بود. طبقه حاکمان نیز به شدت متأثر از این باورها بودند به نحوی که می‌توان مدعی بود بر اساس سخن مشهور «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» یکی از عوامل اهمیت باورهای نجومی در میان مردم عادی تبعیت از حاکمان بود.

نقش و جایگاه منجمین در دوره صفویه

اهمیت و نقش نجوم در زندگی مردم دوره صفویه سبب اهمیت یافتن منجمین در این دوره شده بود. به گونه‌ای که منجمین از مهمترین افراد دربار به حساب می‌آمدند. شغل منجمی به دلیل اعتقاد عمومی که به آنها وجود داشت، از جمله شغل‌های پردرآمد محسوب می‌شد. این عوامل سبب گرایش بسیاری به این حرفه شده بود. شاردن از مخارج زیاد دربار برای منجمین سخن به میان می‌آورد. همچنین او شمار منجمین اصفهان را به اندازه ستاره‌ها می‌داند (شاردن، ۳/ ۹۸۶). بنا بر نوشته اولتاریوس منجمین، علم تنجیم را به «دختری ثروتمند که به یاری او می‌توان به مکت و ثروت رسید و نان خورد» تشبیه کرده‌اند (اولتاریوس، ۳۱۰). ظاهراً بسیاری از منجمین نیز به آگاهی‌هایی که از آینده می‌دادند، اعتقادی نداشتند و صرفاً برای امرار معاش و کسب ثروت اقدام به چنین کارهایی می‌کردند.

منجمین را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود؛ یک گروه در کوچه بازار بساط پهن کرده و مردم عادی را از وقایع و حوادث آینده و همچنین سعدی و نحسی ساعات، آگاه می‌کردند. این گروه از منجمین را بیشتر می‌توان منجمین خرده پا نام نهاد. گروه دیگر، منجمین زبده‌ای بودند که در دربار و در خدمت شاه بودند و در رأس این گروه، منجم‌باشی قرار داشت. به نظر می‌رسد تعداد گروه دوم زیاد نبود اما منابع از شمار بسیار منجمینی که در خدمت شاه بودند، یاد می‌کنند (کمپفر، ۱۰۲).

تقریباً همه ناظران خارجی از اهمیت منجم‌باشی و منجمین نزد شاهان صفوی سخن به میان آورده‌اند. آنها بر این عقیده بودند شاه، در ایران هرگز بدون نظر منجم‌باشی و منجمین دست به اقدامی نمی‌زند و شاه بیشتر از روی دستورات او پادشاهی می‌کند (تاورنیه، ۵۷۶؛ اولتاریوس، ۳۲۷؛ کمپفر، ۱۰۲؛ کارری، ۱۹۳؛ دلاواله، ۶۱ و ۹۸). اهمیت منجمین به گونه‌ای بوده که می‌توانستند به راحتی رأی شاه را تغییر داده و او را از انجام هر کاری منصرف کنند (نک. شاردن، ۲/ ۱۰۳۰). سه‌الی چهار منجم همواره در کنار شاه حضور داشتند که وظیفه آنها تعیین ساعات سعد و نحس برای شاه بود. در زمان شاه‌عباس اول سه منجم مشهور (ملاجلال منجم، ملا مظفر گنابادی و پسرش محمدشفیع) همیشه در خدمت او حضور داشتند و از اهمیت بالایی برخوردار بودند. تاورنیه که در

اصفهان مهمان خانه ملاجلال بوده از جایگاه بالای او نزد شاه عباس سخن به میان می‌آورد (تاورنیه، ۹۸).

تأثیر احکام نجومی در کارهای نظامی شاه‌عباس

شاه‌عباس اول در امور نظامی از موفق‌ترین شاهان صفوی محسوب می‌شود. وی در ابتدای حکومت با شورش‌های داخلی، هجوم ازبکان از شرق و عثمانی از غرب مواجه بود. محققان به جنبه‌های گوناگون نظامی‌گری شاه‌عباس پرداخته‌اند. یکی از مواردی که کمتر بدان توجه شده، نقش منجمان و مسائل نجومی در تصمیمات نظامی شاه‌عباس است. شاه‌عباس با وجود آنکه از نبوغ نظامی بالا و فرماندهان برجسته‌ای برخوردار بود، در امور نظامی شدیداً متأثر از طالع‌بینی و پیش‌گویی منجمان بود. شاه‌عباس در حمله به قزوین برای تصاحب قدرت، از منجمین خواست ساعت سعد را برای این کار معین کنند و او در ساعتی سعد راهی این سفر جنگی شد (ترکمان، ۱/ ۵۷۴). این نخستین عملیات نظامی شاه‌عباس بود که منجر به پیروزی و بر تخت نشستن وی شد.

ملاجلال اصلی‌ترین منجم شاه‌عباس محسوب می‌شد و شاه همواره رأی او را در نظر می‌گرفت. منجم‌یزدی در خلال وقایع ۹۹۹ به دو واقعه نظامی اشاره دارد که نشانگر تأثیر عمیق شاه از منجمین است. حادثه اول، دولتیارخان سیاه‌منصور از امرای نامدار شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰) که پیش از این در خدمت حمزه‌میرزا بود، در این سال در ابهر، زنجان و درجزین از اطاعت شاه‌عباس سرپیچی می‌کند. حسین‌خان شاملو از طرف شاه، دولتیارخان را محاصره کرد. دولتیار مقاومت کرد و سپاه حسین‌خان قادر به فتح قلعه نبود. شاه‌عباس، ملاجلال را احضار و از او می‌خواهد بر اساس رمل نشان دهد که آیا حسین‌خان موفق خواهد شد؟ منجم در جواب می‌گوید: «غلبه حسین‌خان بر او در نظر من بسیار دور می‌نماید». شاه در ادامه می‌پرسد که اگر خود شاه عازم مقابله شود چه نتیجه‌ای رخ می‌دهد که ملاجلال می‌گوید در روز دوشنبه نهم رمضان آن قلعه فتح خواهد شد. شاه بنابر اعتماد به پیش‌گویی ملاجلال در روز موعود نزدیک غروب با تعدادی اندک برای بازرسی اوضاع به نزدیکی قلعه می‌رود و در همین حین دولتیارخان به سبب آنکه احتمال حمله را نمی‌داد با دو سه نفر از قلعه خارج می‌شود

که توسط شاه و نیروهای همراه او دستگیر و غائله پایان می‌یابد (منجم‌یزدی، ۱۱۰). این بی‌احتیاطی شاه می‌توانست به خطر جدی برای او تبدیل شود. دلیل مهمی که برای این بی‌احتیاطی شاه می‌توان ذکر کرد، اعتقاد عمیق او به پیش‌گویی ملاجلال است.

حادثه دوم: در سال ۹۹۹ ازبکان به خراسان حمله می‌کنند و فرهادخان حاکم آنجا منتظر رسیدن شاه بود. اما ملاجلال مانع از رفتن شاه به جانب خراسان می‌شود و فرهادخان نیز به دلیل نیامدن نیروی کمکی از آنجا فرار کرد و در نتیجه نیشابور و اسفراین توسط ازبکان تصرف می‌شوند. شاه، فرهادخان را به دلیل این فرار بازخواست می‌کند که وی در جواب می‌گوید علت فرار را از ملاجلال پرسد که مانع حضور شاه در خراسان شده است. منجم در جواب گفت که فردا شاه مریض خواهد شد؛ «خان راضی بودند که شاه در خراسان بوده این حالت روی نماید و اوزبک زور آورد یا باید گریخت یا در قلعه متحصن باید شد» (همان، ۱۱۱). ظاهراً در زمان موعود شاه نیز دچار بیماری شده و بعد از اندکی شفا می‌یابد.

در ماجرای دوم در اثر نفوذ بیش از حد منجم بر روی شاه و توجه افراطی شاه به پیش‌گویی‌های وی، قسمتی از خراسان از دست رفت و تعدادی از نیروها و فرماندهان صفوی کشته شدند. آیا در صورت عزیمت شاه به خراسان حتماً این بیماری بر وی مستولی می‌شد؟ آیا در صورت وقوع بیماری امکان مقابله و غلبه بر ازبکان به حداقل می‌رسید؟ آیا در صورت توجه به پیش‌گویی ملاجلال امکان اعزام نیروی کمکی بدون حضور شاه به خراسان وجود نداشت؟ به نظر می‌رسد اختلافاتی میان فرهادخان و ملاجلال وجود داشته که این اختلافات در سال ۱۰۰۴ حتی موجب قهر ملاجلال شد، و شاه شخصاً به دلجویی از ملاجلال پرداخته است (منجم‌یزدی، ۱۴۳-۱۴۲). شاید بتوان اختلاف میان این دو موجب عدم ارسال نیروی کمکی به فرهادخان شده باشد و اصولاً ارتباطی با احکام نجومی نداشته باشد.

سال ۱۰۱۲ از نقاط عطف در دوران پادشاهی شاه‌عباس است. در این سال او موفق شد تبریز را از دست عثمانی‌ها خارج کند. شاه برای رسیدن به این موفقیت خود را بی‌نیاز از منجمین ندید. زمانی که شاه قصد عزیمت به تبریز داشت، ملاجلال را احضار و از او خواست تا ساعت سعد برای حرکت به جانب قزوین تعیین کند (حسینی

استرآبادی، ۱۷۵). ملاجلال نیز «ساعتی سعد که مسعود ناظر و از عیوب نجومی مبرا و با کواکب طالع همایون موافق بود اختیار نمود» (ترکمان، ۲/ ۱۰۲۹). ظاهراً شاه‌عباس طی یک فریب نظامی به تبریز حرکت کرد و غیر از چهار پنج نفر از نزدیکان، کسی از قصد شاه اطلاع نداشت. به گزارش منابع گویا مولاناصبوری، منجم وکیل پاشا حاکم عثمانی تبریز نیز از روی تفال دریافت‌ه بود که شاه صفوی قصد تصرف تبریز دارد (حسینی‌استرآبادی، ۱۷۵؛ ترکمان، ۲/ ۱۰۳۰).

در سال ۱۰۲۷ نیروهای عثمانی با فرماندهی خلیل پاشا تبریز را اشغال و نیروهای صفوی به فرماندهی امامقلی خان و قرچقای خان به سمت اردبیل عقب نشستند. شاه تصمیم به عقب‌نشینی داشت. او دستور داد باروبنه را به مازندران و گیلان بفرستند. همزمان شاه‌عباس در مطالعه پیش‌گویی‌های سالانه ملامظفرگنابادی، متوجه شد اگر در آن زمان نیروی قزلباش را وارد جنگ کند، پیروز خواهد شد (جنابدی، ۸۶۹). بنابراین ملامحمدشفیع منجم پسر ملامظفر به نزد شاه رفت تا ساعت سعد را برای حمله مشخص کند (همان، ۸۶۹). زمانی که ساعت به درجه سعد از دید میرزاشفیعی رسید دستور حمله صادر و منجر به پیروزی قزلباشان شد. به این ترتیب پیش‌گویی نجومی منجمین سبب شد تا شاه و نیروهای صفوی از یک شکست تقریباً حتمی در برابر عثمانی نجات پیدا کنند. شاه با اعتقاد عمیق به پیش‌گویی منجمین، از عقب‌نشینی به شمال ایران منصرف شد و به نیروهای قزلباش و فرماندهان دستور داد تا منجم دستور نداده حتی اگر نیروهای عثمانی جنگ را شروع کرده باشند، دست به اقدامی نزنند. این دو مورد نشان از اعتماد ویژه شاه به پیش‌گویی منجمین دارد. در واقع شاه به نظرات فرماندهان برجسته‌اش، کمترین توجه را داشت و صرفاً براساس پیش‌گویی منجم تصمیم به مقاومت گرفت. به هر روی، پیش‌گویی ملامظفر تنها عامل این پیروزی نبود زیرا در این پیروزی عوامل مهم دیگری چون موقعیت نه چندان مناسب خلیل پاشا در تبریز و تدابیر نظامی فرماندهان برجسته صفوی نیز مؤثر بودند. با این همه این پیش‌گویی تبدیل به قوت قلب شاه و سپاهیان شد.

از دیگر موارد استفاده شاه‌عباس از منجمان در عملیات نظامی، به محاصره بغداد توسط عثمانی در سال ۱۰۲۴ برمی‌گردد. بغداد در این سال به صورت جدی محاصره

شد و هر لحظه امکان سقوط آنجا وجود داشت. شاه از توانایی مقاومت و موفقیت اهالی قلعه دچار تردید شده بود، اما منجمین به وی اطمینان دادند عثمانی‌ها در این امر توفیقی نخواهند داشت. حتی مولانا محمدطاهر یزدی جهت اثبات ادعای خود از شاه اجازه گرفت که راهی قلعه بغداد شود (ترکمان، ۳/ ۱۷۳۰-۱۷۲۹). این جریان از دو جهت دارای اهمیت است. یکی اینکه شاه پس از دلگرمی منجمین تصمیم به ادامه مبارزه می‌گیرد. دوم اینکه نفوذ این خبر در میان افراد محاصره شده در قلعه بغداد سبب مقاومت و ایستادگی بیشتر آنها و در نهایت سبب موفقیت نیروهای مدافع صفوی شد. به هر روی توجه به نظرات منجمین یک شمشیر دو لبه بود که هم می‌توانست مانع موفقیت و هم سبب پیروزی شود.

شاه عباس در زمان عملیات نظامی بسیار حساس بود که حرکت نیروها و حمله در ساعتی سعد رخ دهد (نک. افوشته‌ای نطنزی، ۵۸۶؛ جناب‌دی، ۷۵۳-۶۷۴؛ ترکمان، ۲/ ۱۴۸۰-۱۰۴۱-۹۶۵-۸۰۰-۶۹۳). چنین حساسیتی در پاره‌ای مواقع از جمله در مورد شکست از ازبکان و تصرف خراسان توسط آنها در سال ۹۹۷، سبب شکست نیروهای صفوی می‌شد. به طور کلی فارغ از نتیجه، تأثیر تنجیم در تصمیمات نظامی شاه عباس از نکات منفی دوران زمامداری او بود و حتی به نوعی کارنامه درخشان نظامی وی را دچار نقصان کرده است. ارجحیت دادن نظر منجمین بر فرماندهان برجسته نظامی، خطایی است که شاه عباس بارها مرتکب شد و در تمام دوران زمامداری این رویه را ادامه داد.

تأثیر احکام نجومی در کناره‌گیری شاه عباس

اعتقاد شاه عباس صفوی به پیش‌گویی منجمین را می‌توان در کناره‌گیری از حکومت بر اساس نظر منجمین مشاهده کرد. شاه عباس در این حادثه به صورت خودخواسته به نفع یکی از درویشان فرقه نقطویه از سلطنت کناره گرفت (برای بررسی ابعاد این ماجرا، نک. کریمی، ۷۹-۱۰۴). مسئله قابل ذکر در اینجا تأثیرپذیری شاه و اطرافیان وی از یک پیش‌گویی نجومی است. این پیش‌گویی مبتنی بر تغییرات و تحولات مهم در پایان و آغاز هر هزاره است. بنابر روایت ملاجلال در سال ۱۰۰۱ (منجم یزدی، ۱۲۲) و

براساس روایت ترکمان در سال ۱۰۰۲ (ترکمان، ۲/ ۷۴۸-۷۴۵) شاه عباس صفوی، سلطنت را به یوسفی ترکش دوز واگذار کرد. بنا بر نوشته ملاجلال و ترکمان این واقعه بر اساس پیش‌گویی ملاجلال انجام شده است (منجم‌یزدی، ۱۲۲؛ ترکمان، ۲/ ۷۴۶) اما نطنزی آن را براساس پیش‌گویی خود یوسفی ترکش دوز می‌داند (افوشته‌ای نطنزی، ۵۲۱). ترکمان می‌نویسد: «در این سال منجمان القاء کردند که آثار کواکب و قرانات علوی و سفلی دلالت بر افناء و اعدام شخصی عظیم‌القدر از منسوبان آفتاب که مخصوص سلاطین است می‌کند و محتمل است که در بلاد ایران باشد و از زایچه طالع همایون استخراج نموده بودند که تربیع نحسین در خانه طالع واقع شده اختر طالع در حضيض زوال و وبال است و مولانا جلال‌الدین منجم‌یزدی... آن نحوست را بدین تدبیر دفع نمود که حضرت‌اعلی در آن سه روز که معظم تأثیر قران و تربیع نحسین است خود را از سلطنت و پادشاهی خلع نموده شخصی از مجرمان را که قتل برو واجب شده باشد به پادشاهی منسوب سازد و در آن سه روز سپاهی و رعیت مطیع فرمان او باشند که ما صدق امر پادشاهی از و به فعل آید و بعد از سه روز آن مجرم را به شحنة نحس اکبر قران و جلاد حادثه دوران سپارند که به قتلش پردازند» (ترکمان، ۲/ ۷۴۷-۷۴۶). بنا بر نوشته منابع در مدت سه روز تمام امور مملکت در اختیار یوسفی بود و شاه‌عباس در این سه روز هیچ اقدام شاهانه‌ای انجام ندادند و بعد از سه روز یوسفی را از تخت به زیر آورده به قتل رساندند (منجم‌یزدی، ۱۲۲؛ ترکمان، ۲/ ۷۴۷؛ قزوینی، ۴۱؛ حسینی‌استرآبادی، ۱۶۰).

در این عمل شاه‌عباس ممکن است دلایلی چون نقشه وی برای حذف نقطویان و یا هر طرز تفکر منجی‌گرایانه موازی با ایدئولوژی صفویان مطرح شود. اما واقعیت آن است قانع‌کننده‌ترین دلیل برای این عمل شاه، اعتقاد کامل و راسخ وی نسبت به احکام نجومی است. کناره‌گیری از تخت شاهی و واگذاری همه امور به دیگری شمشیر دو لبه‌ای بود که می‌توانست خطر جدی برای سلطنت شاه ایجاد کند. از این‌رو ملاجلال بانی این طرح از ترس آنکه مبادا شاه جدید (یوسفی) بخواهد او را به‌خاطر این طرح به قتل برساند تا پایان سه روز در گوشه‌ای خزیده و خود را هویدا نکرد (ترکمان، ۲/ ۷۴۷؛ قزوینی، ۴۱). این امر نشانه تبعیت بی‌چون و چرای ملازمان از شاه جدید

بوده است. بدون شک خط قرمز همه پادشاهان در تاریخ تاج و تخت آنان بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از شاهان برای حفظ آن از هیچ عمل شنیعی رویگردان نبودند. شاه عباس نیز برای بدست آوردن و حفظ تخت شاهی، بسیاری از نزدیکان خویش را قربانی کرد. اما در این مقطع به توصیه منجمین، حکومت را به یکی از مخالفان خویش واگذار کرد.

تأثیر تنجیم در معماری و انتقال پایتخت

در دوره شاه عباس اول معماری صفویه اوج رسید. بسیاری از آثاری که از آن دوره برجای مانده ساخته دوره شاه عباس است. شاه عباس در معماری نیز مانند سایر امور متأثر از احکام نجومی بود. در حمله شاه عباس به تبریز برای بازپس گیری آن شهر از دست عثمانی‌ها، قلعه تبریز ویران شد. به دلیل ترس از تهدیدات عثمانی‌ها، شاه عباس در سال ۱۰۱۴ تصمیم به تعمیر قلعه تبریز گرفت. در این راستا «منجمان دقیقه‌شناس ساعتی سعد جهت بنای قلعه تعیین کردند» (ترکمان، ۱۱۰۸/۲) سپس معماران شروع به احیای قلعه کردند.

در سال ۱۰۲۰ نیز دو بنای معماری بر اساس تشخیص و نظر منجمان ساخته شد: یکی ساخت عمارت فرح‌آباد در مازندران (جنابدی، ۸۴۰)، و دومی ساخت مسجدشاه یا مسجدعباسی در ضلع جنوبی میدان نقش جهان بود (ترکمان، ۱۳۷۰/۲؛ منجم‌یزدی، ۴۱۲).

تغییر پایتخت صفویان در سال ۱۰۰۶ از قزوین به اصفهان نیز متأثر از منجمین بود (منجم‌یزدی، ۱۶۱؛ ترکمان، ۸۷۱/۲). دلایل متعددی از سوی محققان برای انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان بیان شده است (نک. یزدی، ۴۵-۴۲؛ لاکهارت، ۴۱۵-۴۱۳؛ Roemer, 138-163) که در اینجا هدف پرداختن به همه دلایل نیست اما موردی که کمتر بدان توجه شده، تأثیرپذیری شاه عباس از احکام نجومی در تغییر پایتخت است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل شاه عباس برای تغییر پایتخت، تأثیرپذیری از منجمان بود. مشورت‌های متعدد شاه با منجمان در ریزترین و کوچکترین کارها به گونه‌ای بود که نمی‌توان باور داشت شاه در این امر مهم از منجمان تأثیر و مشورت نگرفته باشد.

شاردن در این باره آورده است: «برخی نیز آورده‌اند که چندتن از اخترگران وی را آگاه کرده‌اند اگر مانند پدران خود در قزوین بماند حوادث ناگواری در کمینش خواهد بود» (شاردن، ۲/ ۴۶۳). گرچه این نظر شاردن در منابع ایرانی آن عصر بازتابی نداشته و شاردن نیز منبع خود را ذکر نکرده اما آنچه که مشخص است این خبر در میان بوده که شاه با توصیه منجمان دست به چنین اقدامی زده است. طاهری نیز عمل شاه عباس را متأثر از توصیه منجمان می‌داند (طاهری، ۳۸۸-۳۸۷). به نظر می‌رسد عدم ماندگاری پایتخت در قزوین صرفاً بنابر توصیه منجمان بوده اما در انتخاب اصفهان علاوه بر تأیید غیرمنحوس بودن آنجا توسط منجمان، ویژگی‌های جغرافیایی آن نیز مؤثر بوده است.

شواهد دیگر از تأثیرپذیری شاه از احکام نجومی

تعیین سعدی یا نحسی ایام و اوقات «اختیارات» نامیده می‌شد. شاه‌عباس برای ورود یا خروج از شهری و همچنین برای دیدار با افراد مختلف، دقت می‌کرد تا این اعمال در ساعات سعد روی دهند و بدون اجازه منجم هرگز قدمی بر نمی‌داشت. منابع موارد متعددی از این وسواس شاه‌عباس را ثبت کرده‌اند (نک. منشی‌قمی، ۲/ ۹۱۲؛ ترکمان، ۲/ ۷۰۹-۹۴۴-۱۰۸۸-۱۲۴۳-۱۴۱۹-۱۳۸۵؛ منجم‌یزدی، ۳۰۰-۲۹۹-۴۴۲).

یکی از مواردی که شاه دقت داشت در ساعت سعد رخ دهد حضور یافتن افراد به خدمت شاه و به اصطلاح «پایبوسی» وی بود. ظاهراً پایبوسی از مسائل مورد توجه ملاجلال بود و در اثر تاریخی وی نیز بیشتر از سایر منابع انعکاس یافته است (نک. همان، ۹۳-۱۰۷-۲۹۹-۳۰۰). به نظر می‌رسد علت دقت منجمین در این باره، ناشی از ترس آنها نسبت به آسیب دیدن وجود مقدس شاه توسط افراد غیرقدیس بود. از این‌رو برای رفع و دفع بدشگونی افراد نهایت دقت می‌شد تا افراد در ساعت سعد به حضور شاه مشرف شوند.

تنجیم در قتل صفی‌میرزا (۱۰۲۴) پسر بزرگ شاه و ولیعهد وی نیز نقش داشته است. ظاهراً یکی از جاسوسان به شاه خبر می‌دهد که صفی‌میرزا به همراه گروهی در حال انجام توطئه است تا حکومت را در اختیار بگیرد. ملا مظفر منجم نیز قبلاً پیش‌گویی‌هایی در این باره انجام داده بود. شاه که به پیش‌گویی‌های ملا مظفر اعتماد و اطمینان کامل

داشت و از طرفی جاسوسان نیز اخباری مبنی بر تصدیق پیش‌گویی‌های ملامظفر آورده بودند، عزم خود را برای مقابله با ولیعهد جزم کرد و به حیات وی پایان داد (جناب‌دی، ۸۵۲-۸۵۱). گرچه می‌توان قتل صفی‌میرزا را بیشتر ناشی از خطرات تلخ شاه از دوران نوجوانی‌اش دانست اما نمی‌توان از نقش ملامظفر در این تصمیم غافل بود. شاید اگر پیش‌گویی‌ها و تحریکات این منجم نبود شاه دست به چنین اقدامی نمی‌زد. همچنین شاه‌عباس در انتخاب سام‌میرزا به عنوان جانشین خویش، متأثر از توصیه منجمان بود. ظاهراً ملامحمدتقی پسر ملامظفر منجم در این امر خطیر طرف مشورت شاه بوده‌است (ترکمان، ۱۷۹۳/۳-۱۷۹۲).

یکی از موارد عجیب از تأثیرپذیری شاه از احکام نجومی در حین محاصره قلعه شهر شماخی رخ داده بود. شاه دستور داد تالاری برای جمع شدن بزرگان در روز عید قربان آماده کنند. این تالار فرو ریخت و نزدیک بود شاه جان خود را از دست دهد. گویا منجمین در این حادثه جان او را نجات دادند. ترکمان می‌نویسد منجمین برای دفع نحوس «در خلوتخانه خاص آن حضرت را دم‌به‌دم به حرف و حکایت مشغول ساخته‌اند که تا انقضای معظم تأثیر حرکتی از آن حضرت واقع نشود و بدین جهت تأخیر در بیرون آمدن واقع شده بود که آن حالت روی داد» (ترکمان، ۱۲۱۱/۲-۱۲۱۰). کریمی حادثه را به کرامت‌نمایی کیهانی تعبیر می‌کند (کریمی، ۵۵). جالب‌تر آنکه ترکمان در ادامه مدعی می‌شود که بدون واسطه از علیرضاخوشنویس شنیده است، زمانی که شاه قصد داشت به تالار برود در خوابی فرو رفت و در خواب بود که این قضیه رخ داد (ترکمان، ۱۲۱۱/۲). در واقع ترکمان بلافاصله گفته قبلی خود را در مورد نجات یافتن شاه توسط منجمین، نقض می‌کند. به نظر می‌رسد رویه این‌گونه بوده که هر زمان برای رخدادی دلیلی منطقی یافت نمی‌شد آن را به نیروهای ماورایی نسبت می‌دادند و در این راه انتساب آن به احکام نجومی ساده‌ترین گزینه بود.

نسبت دادن امور غیرعادی به منجمین مسبوق به سابقه بوده به گونه‌ای که ملاجلال آورده است، شاه در سال ۱۰۰۸ دچار بیماری می‌شود. در مرتبه اول ۱۴ روز و در مرتبه دوم ۱۸ روز تب و لرز بر او مستولی می‌شود که ملاجلال «از روی طالع به نواب کلب آستان علی وعده کرده بود که این تب ثالث ندارد» (منجم‌یزدی، ۱۹۴). این پیش‌گویی

درست از آب درآمد بود. ملاجلال مریض نشدن شاه برای بار سوم را به پیش‌گویی خود منتسب کرده بود. به نظر می‌رسد که به دلیل اعتماد زیاد شاه به پیش‌گویی‌های منجمین احتمالاً این گفته ملاجلال تأثیر تلقینی بر شاه داشته است و بیماری وی تحت تأثیر این تلقین عود نکرده است. البته باید عنوان داشت دقیقاً مشخص نیست، بیماری شاه چه بود و اصولاً آیا به لحاظ پزشکی امکان عود کردن سه باره آن وجود داشته است؟

دلایل تأثیرپذیری افراطی شاه‌عباس از احکام نجومی

شاه‌عباس از آغاز شاهی تا واپسین روزهای عمرش تحت تأثیر منجمین و احکام نجومی بود و همواره منجمین نقش معتمدین او را در تصمیمات گوناگون ایفا می‌کردند. برخلاف تصور عمومی که شاه‌عباس را عقل‌گرا دانسته‌اند، وی شدیداً غیرعقلانی و تحت تأثیر احکام خرافی نجومی بود. شاه‌عباس بدون مسائل خرافی نجومی قدم از قدم بر نمی‌داشت و برای خصوصی‌ترین امور شخصی نیز به منجمین وابسته بود. در پاسخ به سؤال علل تأثیرپذیری افراطی شاه‌عباس از آراء منجمان، نمی‌توان به یک مورد بسنده کرد و بدون تردید عوامل گوناگونی در این امر دخالت داشتند که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تبعیت و تقلید از گذشتگان، بدون آنکه تفکر چندانی در این تقلید نهفته باشد. روانشناسان علل گرایش انسان‌ها به موارد غیرعقلانی و خرافی را تقلید کورکورانه می‌دانند، که از دوران کودکی تلقین می‌شود و تأثیر خودش را همیشه نگه داشته و پیوسته قوی‌تر می‌شود (افشانی و احمدی، ۶۹). وجود همیشگی منجم در دربار و تبعیت شاهان پیشین از آراء منجمین، پیشینه‌ای است که شاه‌عباس نیز از آن تبعیت می‌کند. در منابع تاریخی و ادبی موارد متعددی از تبعیت حاکمان گذشته ایران از آراء منجمین و حوادث نجومی ذکر شده است؛ صلح کسوف در دوره مادها (دیاکونوف، ۳۹۶)؛ و موارد دیگری از تبعیت حاکمان ایران باستان از مسائل نجومی که در شاهنامه ذکر شده است (فردوسی، بیشتر صفحات) و در دوره اسلامی نیز موارد بسیاری از تبعیت حاکمان از آراء منجمان توسط منابع ذکر شده است (نک. نظامی‌عروسی، ۸۱).

۲- اتفاقاتی که تصادفاً نتیجه آنها با پیش‌گویی‌های منجمین یکسان بوده سبب تقویت این ایده شد که منجمین توانایی پیش‌بینی آینده را دارند. جاهدودا معتقد است تصادفی که در چنین مواردی «راهنمای آدمیان شد، در هزاران مورد دیگر به گمراهی آنها انجامید» (جاهودا، ۱۲۱). چنین پیش‌گویی‌هایی سبب شد تا شاه‌عباس در کارها، از منجمین مشورت بگیرد. در بسیاری از موارد مانند واقعه یوسفی‌ترکش‌دوز؛ نتیجه پیش‌گویی‌های منجمین نامشخص بود؛ ولی به شکلی بیان می‌شد که شاه مجاب می‌شد اگر عملی غیر آنچه منجمین القاء کرده‌اند، انجام شود، همان نتیجه‌ای که آنها پیش‌گویی کرده‌اند، روی خواهد داد.

۳- زمانی که انسان‌ها قادر به کشف رابطه علی و معمولی حوادث نباشند به دنبال پاسخ‌های غیرعقلانی و ماورایی برای پرسش‌های خود هستند. به این ترتیب نجوم یاری‌گر جهل انسان‌ها بود و «به هر نسبت که انسان به حقایق و واقعیات ناآشنا باشد، زمینه رویش افکار خرافاتی آماده‌تر می‌شود» (اکبری، ۱۴). در بسیاری از موارد پیش‌گویی‌های منجمین هیچ‌گونه مبنای عقلی نداشت اما شاه‌عباس بدون توجه به این امر، پیش‌گویی‌های آنها را می‌پذیرفت. ظاهراً در جامعه آن روز حداقل در میان طبقه حاکم، عقل‌گرایی حاشیه قرار داشت.

۴- ابهام، تردید و ترس در مورد آینده و در واقع رازآلود بودن آینده از مواردی است که سبب گرایش انسان‌ها به پیش‌بینی آینده با استفاده از هر ابزاری می‌شود. انسان‌ها همواره در پی آگاهی از آینده بوده‌اند تا بتوانند با استفاده از علم به آینده، آن را در اختیار بگیرند و از آسیب‌های احتمالی جلوگیری کنند. این حس در میان افراد مهم خصوصاً شاهان به دلیل خطرات بسیاری که آنها را تهدید می‌کرد بیشتر از دیگران وجود داشت. طرز به قدرت رسیدن شاه‌عباس با کودتا علیه پدرش، سبب نگرانی وی از آینده و ترس از سرنوشتی مشابه او شده بود. این ترس و نگرانی سبب گرایش بیشتر وی برای احاطه بر اطراف خود و آگاهی از آینده شد تا بتواند قبل از آنکه اتفاقی ناگوار برای او و حکومتش رخ دهد، پیش‌دستی کرده مانع آن شود. در واقع آگاهی از آینده می‌تواند امتیازی در جهت برتری نسبت به دشمنان باشد. به عبارتی با توسل به اموری غیرعقلانی در صدد اتخاذ تصمیمی عقلانی در آینده بود.

۵- فراگیر بودن استفاده از منجمین نیز می‌تواند یکی از دلایل توجه شاه‌عباس به پیش‌گویی‌های منجمین باشد. در جامعه ایران عصر صفوی از عادی‌ترین افراد تا افراد بلندپایه و شاخص برای کارهای خود به منجمین رجوع می‌کردند تا ساعات سعد و نحس را برای آنها مشخص کنند. حتی تقویم‌هایی تهیه شده بود که ساعات و روزهای نحس و سعد در آنها معین شده بودند. گسترده بودن یک امر علاوه بر عادی جلوه دادن آن، سبب مشروعیت‌بخشی آن نیز می‌شود. اعتقادات نادرستی که در میان همه گروه‌های جامعه به صورت فراگیری پذیرفته شد به سختی می‌توان آن را انکار و یا با آن مقابله کرد.

۶- تلقین به امری نیز می‌تواند نتایج مثبتی به همراه داشته باشد. به نظر می‌رسد این تلقین که در شاه‌عباس از آغاز سلطنت بوجود آمده بود سبب شد تا مشورت‌ها و احکام نجومی منجمین را مثبت و حدوث آنها را حتمی تلقی کند.

۷- در پاره‌ای موارد توسل به امور ماورایی و خرافی، ناشی از بن‌بست انسان‌ها در حل مشکلات است. بی‌ثمر بودن اتخاذ شیوه‌های مختلف در برابر مشکلات سبب توجه به امور غیرعقلانی می‌شود. برخی تأثیرپذیری‌های شاه‌عباس از احکام نجومی، به‌ویژه در امور نظامی ناشی از این امر است. برای نمونه می‌توان به بن‌بست رسیدن تلاش‌های شاه و فرماندهانش در جریان شورش دولتیارخان و همچنین محاصره بغداد توسط عثمانی‌ها، اشاره کرد.

نتیجه

برخلاف تصور عمومی که شاه‌عباس را عقل‌گرا دانسته‌اند، وی شدیداً غیرعقلانی و تحت تأثیر احکام خرافی نجومی بود. اعتقاد شاه‌عباس به منجمین و پیش‌گویی‌های آنها به حدی افراطی بوده که می‌توان آن را نمونه‌ای کم نظیر در تاریخ ایران به حساب آورد. شاه‌عباس در همه حوزه‌های حکومتی و شخصی از اولین روزهای حکومت تا هنگام مرگ متأثر از مشورت‌های منجمین بود. افراط شاه‌عباس در تأثیرپذیری از منجمان در پاره‌ای از مواقع سبب از دست رفتن بخشی از خاک ایران نیز می‌شد که برای جبران، شاه، فرماندهان و نیروهای نظامی سال‌ها وقت و هزینه صرف می‌کردند تا

بتوانند سرزمین‌های از دست رفته را باز پس گیرند. با وجود چنین خطاهایی، منجمین هرگز از سوی شاه بازخواست نشده بلکه شاه آن را نوعی سرنوشت محتوم و غیرقابل تغییر تلقی می‌کرده است. علل تأثیرپذیری شاه عباس از منجمین را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: تلقین به وقوع حتمی پیش‌گویی‌های منجمین، پیشینه طولانی حضور منجمان در دربار پادشاهان گذشته و ارزش قائل شدن آنها برای آراء منجمان، پیش‌گویی‌های تصادفاً درست منجمین، عدم حاکمیت تفکر عقلانی در جامعه عصر صفوی، ترس از آینده و رازآلود بودن آن، فراگیر بودن استفاده از منجمین در جامعه ایران عصر صفوی. شاه‌عباس به سبب آنکه خود با شیوه کودتا علیه پدرش به قدرت رسیده بود، به هیچ‌کس اعتماد مطلق نداشت. با وجود این همواره منجمان به‌ویژه ملاجلال، ملامظفرگنابادی و پسرانش، مورد اعتماد و وثوق شاه بودند و او از ریزترین تا مهم‌ترین امور حکومتی را با آنها در میان می‌گذاشت و از نظرات مشورتی آنها استفاده می‌کرد.

منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.
- اسفندیاری مهنی، زهرا، «جایگاه منجمان در دوره صفویه»، مطالعات ایرانی، سال ۱۷، شماره ۳۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
- افشانی، سیدعلیرضا و اصغر احمدی، «میزان نوگرایی و گرایش به خرافات در شهر یزد»، فصلنامه پژوهشنامه، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۸.
- افوخته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه، تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
- اکبری، محمود، خرافه و واقعیت‌ها، تهران، فتیان، ۱۳۸۷.
- اولئاریوس، آدام، سفرنامه آدام اولئاریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار نو، ۱۳۸۵.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، التفهیم، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.
- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، اصفهان، کتابخانه سنائی و کتابفروشی تایید اصفهان، ۱۳۳۶.
- ترکمان، اسکندربیک، تاریخ عالم آرای عباسی، مصحح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- جاهودا، گوستاو، روانشناسی خرافات، ترجمه محمدتقی براهنی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱.
- جنابدی، میرزا بیگ بن حسن، روضة الصفویه، بکوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸.
- حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی، از شیخ صفی تا شاه صفی، بکوشش احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۶.
- دلاواله، پیترو، سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۰.

- دیاکونوف، ا.م، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- رایگانی، ابراهیم و مهسا ویسی، «پژوهشی در وضعیت نجوم و جایگاه منجمان دوره صفویه بر اساس سفرنامه‌های سیاحان خارجی»، کتاب ماه علوم و فنون، شماره، ۱۲۲، بهمن ۱۳۸۸.
- سمیعی، محمد، «نجوم جدید و فقه»، تحقیقات اسلامی، شماره ۱ و ۲، تابستان ۱۳۸۳.
- شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمائی، تهران، توس، ۱۳۷۲.
- صحت‌منش، رضا و زهرا اسفندیاری‌مهنی، «مطالعه تطبیقی انقلاب نجومی و نجوم در عصر صفوی»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۹، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۷.
- طاهری، ابوالقاسم، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه‌عباس*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- فارابی، محمد بن محمد، *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیوچ، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۹.
- فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه* (بر اساس چاپ مسکو)، بکوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره، ۱۳۸۷.
- فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- قزوینی، ابوالحسن، *فوائد الصفویه*، تصحیح مریم میراحمدی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- کارری، جووانی فرانچسکو جملی، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- کریمی، بهزاد، *زمان نگری و کیهان باوری در عصر صفویه*، تهران، ققنوس، ۱۳۹۶.
- کمپفر، انگلبرت، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۰.
- گنابادی، مظفر بن محمد قاسم، *تنبيهات المنجمين*، کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۱۲۶۱۶-۵، قرن ۱۱.

- لاکهارت، لارنس، *انقراض سلسله صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
- منجم‌یزدی، ملاجلال الدین، *تاریخ عباسی*، تهران، وحید، ۱۳۶۶.
- منشی‌قمی، احمد بن حسین، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر، *چهار مقاله*، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۸.
- نلینو، کرلو الفونسو، *تاریخ نجوم اسلامی*، ترجمه احمد آرام، تهران، کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۴۹.
- یزدی، حسین، «انتقال پایتخت صفویه به اصفهان؛ علل و پیامدهای آن»، رشد آموزش تاریخ، شماره ۲۳، ۱۳۸۵.
- Roemer, Hans, *Iranian Studies*, Vol.7, No.1/2, Studies on Isfahan: Proceedings of the Isfahan Colloquium, Part I (Winter-Spring, 1974).

